

امکان شناخت

مقدمه

- اندیشیدن درباره «اندیشیدن» یکی از مهم‌ترین بخش‌های فلسفه است.
- این بخش از فلسفه را به خاطر گسترش فراوان، معرفت‌شناسی می‌گویند.
- کوشش فیلسوفان در بخش شناخت فلسفه چیست
 - پی بردن به شناخت حقیقت
 - توضیح دادن توانایی بشر برای شناخت خود (خودشناسی)
 - توضیح دادن توانایی بشر برای شناخت جهان و ابزارهای وی برای شناخت و محدودهای شناخت (جهان‌شناسی)

سوالات

- ۱- یکی از ویژگی‌های انسان توانایی شناختن است، آن را توضیح دهید
 - ما اشیا و پدیده‌های پیرامون خود را شناسایی می‌کنیم و از طریق این شناخت با آن‌ها ارتباط برقرار کرده و از آن‌ها استفاده می‌کنیم
 - ما اشیا و افراد را می‌بینیم، صدای آن‌ها را می‌شنویم و بسیاری از ویژگی‌های دیگر آن‌ها را درک می‌کنیم
- ۲- چند مورد از نشانه‌های توانایی ما در دانستن ذکر کنید
 - سخن گفتن با دیگری
 - شنیدن صدای دیگران
 - رفتن به سمت دیگری یا دور شدن از چیزی
 - تلاش برای فاصله گرفتن از خطرها
- ۳- آیا انسان تنها در مورد مسائل محسوس فکر می‌کند

خیر - به مسائلی فراتر از محسوسات فکر می کند مثلاً درباره گذشته و آینده یا درباره موجودات نامحسوس و جهانی غیر از جهان مادی اندیشه می کند

۳- توضیح دهید که چگونه شناخت انسان به تدریج افزایش می یابد

ما در آغاز تولد چیزی نمی دانیم بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم یعنی با عمل آموختن و یادگیری در مسیر شناخت پیش می رویم

۴- انسان چگونه در مسیر شناخت گام برمی دارد

از طریق عمل آموختن و یادگیری

۵- شناخت انسان از جهان و خود محدود است یا نامحدود؟

بسیار محدود است یعنی ما آگاه هستیم که در کنار دانسته ها و آموخته ها حقایق فراوان دیگری هم در عالم است که آن ها را نمی دانیم و نمی شناسیم.

۶- اگر متوجه شدیم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند چه کار کنیم

می کوشیم که بدانیم از میان آن نظرها تفاوت کدام درست و کدام غلط است.

۷- چه زمانی انسان می کوشد بداند از میان نظرها تفاوت کدام درست است

- زمانی که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند
- زمانی که متوجه می شویم بعضی از دانسته های ما درست نبوده و دچار خطا شده ایم

۸- پرسش های (سؤالات) درباره مسائل مربوط به شناخت

- شناخت چیست؟
- آیا شناخت اساساً ممکن است؟

- شناخت‌های ما تا چه اندازه ارزش دارند؟
- راه‌های شناخت کدام اند؟
- حدود و قلمرو شناخت چقدر است؟
- چرا میان شناخت افراد از یک موضوع تفاوت وجود دارد؟

نکته: این قبیل سؤال‌ها (سؤال‌های فوق) منجر به شکل‌گیری دانشی به نام «معرفت‌شناسی» شده است.

۹- معرفت‌شناسی چیست

- بخشی از فلسفه است که به پدیده شناخت می‌پردازد و می‌کوشد به این‌گونه پرسش‌ها پاسخ دهد
- معرفت‌شناسی همیشه جزئی از فلسفه بوده است

۱۰- چرا معرفت‌شناسی بخشی از خود فلسفه است

زیرا هنگامی که فیلسوفی درباره موضوعاتی مانند هستی، جهان و انسان می‌اندیشد ناچار درباره خود اندیشیدن و شناخت نیز دیدگاهی دارد.

۱۱- چه زمانی فیلسوف درباره اندیشیدن و شناخت دیدگاهی دارد

هنگامی که فیلسوفی درباره موضوعاتی مانند هستی، جهان و انسان می‌اندیشد

۱۲- چه فیلسوفانی درباره معرفت و شناخت بشر نظر داده‌اند

- فیلسوفان یونان باستان

○ افلاطون

○ ارسطو

- فیلسوفان دوره اسلامی

○ ابن‌سینا

- شیخ اشراق
- ملاصدرا
- علامه طباطبایی
- فیلسوفان دوره جدید اروپا
- دکارت
- هیوم
- کانت

۱۳- توجه خاص کانت به شناخت چه نتیجه‌ای داشت

شاخه معرفت‌شناسی فلسفه رشد بیشتری کند و فیلسوفان بیشتری در دوره جدید بدان بپردازند

۱۴- نظریه معرفت در گذشته و امروزه چگونه نظریه‌ای بوده است

گذشته: برخی از مباحث معرفت‌شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می‌شد.

امروزه: به علت طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه‌های گوناگون این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمد که به آن «معرفت-شناسی» یا «نظریه معرفت» می‌گویند

۱۵- چرا معرفت‌شناسی به عنوان شاخه مستقل در فلسفه مطرح شد

۱- طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت

۲- ظهور دیدگاه‌های گوناگون

چیستی معرفت

- معنا و مفهوم معرفت و شناخت روشن است و نیازی به تعریف ندارد.
- معرفت همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است

سؤال: منظور از چیستی معرفت، چیست؟ با مثال توضیح دهید

معنا و مفهوم معرفت و شناخت روشن است و نیازی به تعریف ندارد

وقتی که از کودکی می‌پرسیم «می‌دانی توپت کجاست؟» و او می‌گوید «آری می‌دانم» نسبت به معنای «می‌دانم» آگاه است. اگر ابهامی هم از جهت کلمه و لغت باشد حداکثر با بیان معادلی ابهام رفع می‌شود. مثلاً می‌گوییم معرفت همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است.

امکان معرفت

سؤال: آیا ما می‌توانیم اشیا و موجودات جهان را بشناسیم و به آن‌ها علم پیدا کنیم

بله - این یک امر بدیهی و روشن است و نیازی به تحقیق و پیدا کردن دلیل ندارد همین‌که ما با طرف مقابل خود صحبت می‌کنیم یا لیوان آبی را برمی‌داریم و می‌نوشیم یا از عمل کسی خوشحال یا عصبانی می‌شویم

سؤال: چرا سوفیست‌ها معتقد بودند انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد

سوفیست‌ها به علت استفاده از مغالطه‌های مختلف در گفت‌وگوها و در محاکم قضایی هر باطلی را حق جلوه می‌دادند

سؤال: چرا سوفیست‌ها معتقد بودند انسان نمی‌تواند به علمی که مطابق با واقع باشد،

برسد

سوفیست‌ها به علت استفاده از مغالطه‌های مختلف در گفت‌وگوها و در محاکم قضایی هر باطلی را حق جلوه می‌دادند

سؤال: استفاده سوفیست‌ها از مغالطه‌های مختلف در محاکم قضایی چه نتیجه‌ای در

برداشت

۱- انسان توانایی رسیدن به حقیقت ندارد

۲- انسان نمی‌تواند به علمی که مطابق با واقع باشد برسد

سؤال: دیدگاه «گرگیاس» سوفیست یونانی در مورد امکان معرفت چیست

- اولاً چیزی وجود ندارد
- ثانیاً اگر هم چیزی وجود داشته باشد برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد
- ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد نمی‌تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید

نکات:

- حقایق بسیاری وجود دارد که هنوز انسان نتوانسته آن‌ها را بشناسد.
- ممکن است ما در توانایی خود برای شناخت برخی امور شک کنیم.
- شک در شناخت امور غیر از شک در امکان اصل شناخت است.
- هم‌معنای معرفت و هم امکان رسیدن به آن برای هر انسانی روشن است.

سؤال: چرا شکاکیت مطلق امکان‌پذیر نیست

زیرا شکاکیت مطلق یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها امکان‌پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست.

پیشرفت پیوسته دانش انسان

سؤال: پیشرفت انسان برای رسیدن به معرفت به دو صورت در حال انجام است، آن

دو صورت کدامند

۱- از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده‌های جهان و گشودن شاخه‌های جدید دانش

۲- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آن‌ها

سؤال: دانش ما درباره کیهان و سیاره‌ها پیوسته در حال تکمیل و تصحیح است؛ یعنی چه؟

از جهت تکمیل: منجمان به تدریج ستارگان و سیارات بیشتری را شناسایی کرده‌اند و انتظار دارند که در آینده نیز کرات دیگری را بشناسند

در جهت تصحیح: ستاره‌شناسان و کیهان‌شناسان به طور پیوسته برخی از دانش‌های گذشتگان را اصلاح نموده‌اند. مثلاً منجمان قدیم عموماً فکر می‌کردند که خورشید به دور زمین می‌گردد و زمین مرکز جهان است. ولی منجمان جدید پی برده‌اند که این نظر اشتباه بوده و زمین به دور خورشید در حرکت است.